اقتصاد: تایلند: سیاست های دوراندیشانه و رشد سریع

مقدمه

در طول چند دههء گذشته،رشد سریع‏ تایلند بسیار چشمگیر بوده و با توجه به‏ میانگین رشد سالانهء این کشور در دورهء پیشگفته،درآمد سرانهء آن 5 برابر شده‏ است.اقتصاد رو به رشد و عملگرای تایلند به یک بخش خصوصی قدرتمند توام با تعهد راسخ و پایدار نسبت به ثبات اقتصاد کلان متکی بوده است تا بتواند خود را از وابستگی همه‏جانبه به بخش کشاورزی‏ به‏رهاند و بسوی بخشهای مهم تولیدی و خدماتی حرکت کند.اتخاذ یک سیاست‏ سخت در اواخر دههء 1980،این کشور را در وضعیتی قرار داد تا بتواند با تغییر چشمگیر تولیدات خود از منطقهء آسیای شرقی‏ بهره‏مند شود.در نتیجه،رونق اقتصادی‏ باعث شد تا این کشور بتواند جاپای خود را در موج دوم ببرهای آسیای شرقی محکم‏ کند.

با تداوم رشد و بلوغ اقتصادی تایلند، سیاستگزاران با مسائل جدیدی روبرو هستند،از جمله افزایش فشار تقاضا و مشکلات مربوط به سیاست ساختاری که‏ به خاطر ضرورت توزیع دستاوردهای‏ توسعه در خارج از بانکوک و آموزش و تربیت‏ نیروی کار برای ادارهء فرایند تولید پیشرفته مطرح شده است.در این مقاله، تجربه‏های تعدیل ساختاری تایلند در 15 سال گذشته و گزارش کارکنان صندوق‏ بین المللی پول از ارائه مشورت به‏ مقامهای این کشور در سال 1995 به بحث‏ گرفته می‏شود و عملکرد کنونی اقتصاد آن‏ همراه با مشکلات میان‏مدت مطرح‏ می‏گردد.

ریشه‏های رشد

برای به تصویر کشیدن عملکرد کنونی‏ تایلند،بهتر است ببینیم که وضعیت نسبی‏ اقتصادی این کشور در طول 35 سال‏ گذشته تا چه اندازه تغییر کرده است. در سال 1960،تولید ناخالص داخلی سرانهء تایلند کمی بیش از هندوستان،پاکستان، غنا و مراکش و کمتر از سریلانکا،فیلپین، آرژانتین،شیلی و پرو بوده است.در سال‏ 1992،این کشور با 2000 دلار تولید ناخالص داخلی سرانه آشکارا از کشورهای‏ جنوب آسیا و بیشتر کشورهای آمریکای‏ لاتین پیشی گرفت،و هم اینک عملکرد آن به برخی از قویترین کشورهای آسیای‏ نزدیک می‏شود.

تایلند در طول این دوره بطور مستمر و با اطمینان پیش رفت تا اقتصاد خود را متحول کند،و این کار را با اتکا به تعهد پایدار نسبت به ثبات اقتصاد کلان، افزایش تجارت و سرمایه‏گذاری آزاد انجام‏ داد که موجب استقبال و حمایت از سرمایه‏گذاری خارجی شد،تایلند مسائل‏ و مشکلات ساختاری خود را بتدریج و بطور واقع‏بینانه از نقطه‏ای آغاز کرد که عدم‏ تعادل اقتصاد کلان و اختلالهای ساختاری‏ نسبتا شدید نبودند.بنظر می‏رسید که‏ اتخاذ سیاستهای باثبات و وجود شرایط مطلوب اولیه موجب حمایت از تجربهء تعدیل ساختاری اواخر دههء 1970 و اوایل‏ دههء 1980 شده باشد.اقتصاد تایلند از شوکهای خارجی این تعدیل گریخت،و تا اواسط دههء 1980 بصورت کشوری قوی، فعال و باثبات جلوه‏گر شد که از مزیت‏ تغییر در فرایند تولید برخوردار گردید.و این‏ رویداد در زمانی اتفاق افتاد که کشورهای‏ صنعتی بالغ‏تر منطقه سرمایه‏گذاری‏ در مکانهایی را آغاز کردند که دارای نیروی‏ کار ارزان و فضای مطلوب سرمایه‏گذاری‏ بود.

در اواخر دههء 1980،با بهبود تدریجی‏ رقابتپذیری خارجی تایلند،جابجائی‏ نسبتا چشمگیر نیروی کار،موجود شرایط بسیار مطلوب برای سرمایه‏گذاری‏ خصوصی(از جمله ارائه انگیزه برای‏ تشویق صادرات و لغو مالیات بر صادرات)و ما زاد مالی چشمگیر که موجب افزایش‏ جریانهای سرمایه‏ای و سرمایه‏گذاری شد، این کشور با رونق اقتصادی مواجه گردید. اگرچه خوش‏شانسی نقش انکارناپذیری‏ در این شکوفایی اقتصادی ایفا کرد،ولی‏ شرایط سیاستی قوی این کشور را بطور آشکار در وضعیت مطلوبی قرار داد تا بتواند به جذب سرمایه‏گذاری بپردازد.

پیشرفتهای اخیر

تایلند همچون بسیاری از کشورهای‏ نوپای جنوبشرقی آسیا از اواخر دههء 1980 به رشد سریعی دست یافته است.صادرات‏ در کنار افزایش شدید تقاضای داخلی از انگیزه‏های اصلی رشد اقتصادی این‏ کشور و سایر اعضای آ.سه.آن(اتحادیهء کشورهای جنوبشرقی آسیه)بوده است.

رشد تولید ناخالص داخلی تایلند در سال‏ 1995 برابر با 5/8 درصد بود که انتظار می‏رود نرخ مذبور برای سال 1995 نیز تقریبا همان رقم باشد.رشد هزینه‏های‏ داخلی از 5/6 درصد در سال 1992 و 5/8 درصد در سال 1993 به بیش از 9 درصد در سال 1994 افزایش یافت.نرخ رشد هزینهء سرمایه‏گذاری عمومی بین سال‏ 1993 تا 1994،با توجه به تعهد شدید این‏ کشور برای مخارج زیرساختاری،به دو برابر افزایش یافت.در همان حال،نرخ رشد سرمایه‏گذاری بخش خصوصی در همان‏ رقم 8 درصد ثابت ماند.

تورم در سال 1994 شدت گرفت و شاخص قیمتهای مصرفی با 5 درصد،و دستمزد بخش تولیدی با 12 درصد افزایش‏ همراه بود.نرخ تورم،تا حدی به خاطر افزایش قیمت مواد غذایی که در نتیجهء بروز سیل ایجاد شده بود،همچنان در سال‏ 1995 ادامه یافت و تا اکتبر سالانه 6/6 درصد رشد داشت.

در بخش خارجی،عملکرد صادراتی‏ تایلند نسبتا خوب بود و موجب شد تا کسری تجاری این کشور بصورت‏ درصدی از تولید ناخالص داخلی بطور جزیی کاهش یابد.با این حال،کسری‏ حساب جاری خارجی تایلند در سال‏ 1994 تا 6 درصد از تولید ناخالص داخلی‏ افزایش یافت.ولی ورود مستمر سرمایه‏ موجب شد تا تراز پرداختهای این کشور باما زاد 3 درصد از تولید ناخالص داخلی‏ همراه شود.در سال 1995،به رغم تداوم‏ رشد صادرات تایلند،کاهش حساب‏ جاری آن در نتیجهء فشار تقاضا به بیش‏ از 7 درصد از تولید ناخالص داخلی رسید.

مسائل سیاستی

رشد سریع و پایدار تایلند حاصل‏ مدیریت مالی دوراندیشانه و اصلاحات‏ پایدار بوده است.افزایش چشمگیر سرمایه‏گذاری،پس‏اندازهای ملی،و تنوع‏ سازی اقتصادی از ویژگیهای توسعهء تایلند بشمار می‏آید.ولی باشکوفاتر شدن‏ اقتصاد این کشور،مسائل جدیدی نیز بوجود می‏آید.اقتصاد تایلند در سال 1995 به پشتوانهء رشد قوی و مدام خود تقریبا به ظرفیت کامل نزدیک شد و نرخ بیکاری‏ به کمتر از 5/2 درصد کاهش‏ یافت.در نتیجه،افزایش تورم و کسری‏ حساب جاری را به همراه آورد.

از جنبه سیاست اقتصاد کلان باید گفت‏ که افزایش فشار تقاضا یکسری مسائل‏ فوری را رودرروی مقامهای تایلندی قرار می‏دهد.بیکاری پایین،افزایش‏ دستمزدها و هزینه‏ها،و استفاده از حد اکثر ظرفیت موجب کسادی نسبی می‏شود.با توجه به باز شدن درهای اقتصاد تایلند، بنظر می‏رسد که فشار روی دستمزدها و هزینه به جای اینکه به تورم قیمتها بینجامد،موجب کاهش حاشیهء سود (و محدودیت بازده)می‏شود.در این شرایط، افزایش واردات راه حل تقاضای بالا خواهد بود،که در نتیجه به تضعیف‏ موقعیت خارجی و بی‏ثباتی دستمزدها منجر خواهد شد.سیاستهای مالی تایلند که در جهت متعادل کردن نیازهای داخلی‏ اتخاذ می‏شود،ابزاری است تا موقعیت‏ خارجی این کشور حفظ شود و مسیر دستمزدها هموارتر باقی بماند.

مقامهای تایلندی در اوایل دههء 1995 از سیاست پولی سخت استفاده کردند که‏ نتیجهء آن ورود چشمگیر سرمایه در 3 ماههء دوم سال و خنثی شدن آثار منفی‏ سیاستهای پیشگفته بود.در 3 ماههء سوم‏ سال،اقدامهای محدودکننده‏تری توسط مقامهای تایلندی اجرا شد،اگرچه داوری‏ در مورد نتیجهء این اقدامات شاید زود باشد،ولی هنوز هیچ افزایشی در ورود جریانهای سرمایه‏ای مشاهده نشده است‏ که این امر تا حدی به این خاطر بوده است‏ که این امر تاحدی به این خاطر بوده است‏ که قدرت بازارهای سهام خارجی موجب‏ تضعیف ورود سرمایه به بازار سهام تایلند شده است.

بطور کلی،ورود جریانهای قوی‏ سرمایه‏ای وظیفه مدیریت پولی را پیچیده کرده،و در نتیجه تخصیص اعتبار به بخش خصوصی با سرعت گسترش‏ یافته است.در سال 1994،میزان اعتبار تخصیص یافته به بخش خصوصی 29 درصد افزایش داشت-که این رقم‏ بسیار بیشتر از رقم پیشبینی شدهء 22 درصد بوده است.همچنین در سال‏ 1995،اعتبار مذبور که طبق برنامه‏ می‏بایست 24 درصد باشد به 30 درصد افزایش یافت.مقامهای تایلندی تلاش‏ کرده‏اند تا از طریق ابزار مستقیم گوناگون‏ بتوانند رشد اعتبارات را کنترل کنند.

با پیشرفت آزادسازی مالی در تایلند، امکان استفاده از ابزارهای غیر مستقیم‏ کنترل پولی،مانند نرخ بانکی و عملیات‏ بازار آزاد در اوراق قرضهء بهره‏دار،افزایش‏ خواهد یافت.در عین حال،مقامهای‏ تایلندی با کنترل مستقیم اعتبارها تلاش‏ کرده‏اند تا از کنترلهای غیر مستقیم استفادهء بیشتر ببرند،و توانایی خود را برای دخالت‏ در بازار بازخرید؛تاحدی بوسیلهء صدور اوراق قرضهء بانک تایلند؛تقویت کنند.

تایلند با استفاده از سیاست مالی نیز می‏تواند فشار تقاضا را کاهش دهد. درحالی‏که نیاز چشمگیری به هزینه‏های‏ سرمایه‏ای وجود دارد،می‏توان بوسیلهء کاراتر کردن اشتغال در بخش عمومی‏ هزینه‏ها را بطور شدیدتری کنترل‏ کرد.همچنین با انجام اقداماتی برای‏ افزایش درآمدها،چشم‏انداز ثبات‏ سیاست مالی امیدوارکننده به نظر می‏رسد.بودجهء سال مالی 96-1995 به‏ خاطر انتخابات ماه ژوئیه و تغییرات کابینه‏ دولت به تأخیر افتاده است.انتظار می‏رود که بودجهء مذبور در اواسط دسامبر گذشته‏ به تصویب رسیده باشد و احتمالا هزینه‏های سرمایه‏ای بویژه در مناطق‏ روستایی همچنان مورد تاکید قرار خواهد گرفت.

مسائل میان‏مدت

با جابجائی واحدهای تولیدی کم‏ دستمزد در منطقه،مقامهای تایلندی به‏ خاطر افزایش هزینه‏های دستمزدی‏ نگران آینده بخش تولید و نیازهای منابع‏ انسانی خود هستند.عقیده بر اینست که‏ تولید مبتنی بر تکنولوژی مطمئن‏ترین راه‏ برای تداوم رشد بالا می‏باشد.تایلند برای‏ دستیابی به این هدف،سیاستها و اولویتهای آموزشی و تربیتی خود را مورد بازبینی قرار داده و برای آن دسته از فعالیتهای اقتصادی که از تکنولوژی بالا برخوردار هستند،انگیزشهای مالیاتی‏ سخاوتمندانه در نظر گرفته است.

این کشور شجاعانه و با خلاقیت تلاش‏ می‏کند تا اهرم مخارج آموزشی خود را با واگذار کردن مسئولیت احداث وادارهء تأسیسات آموزش متوسطه و دانشگاهی‏ به بخش خصوصی،استفاده از بخش‏ عمومی در اعطای وامهای سوبسیددار به‏ دانش آموزان نیازمند،و ارائه انگیزشهای‏ مالیاتی برای تشویق سرمایه‏گذاری‏ توسط بخش خصوصی به بالاترین حد برساند.

کاهش چشمگیر و فزایندهء حساب جاری‏ تایلند موجب پیدایش نگرانیهایی شده‏ است،البته بخش مهمی از این کاهش به‏ خاطر رشد سریع سرمایه‏گذاری(از 24 درصد در سال 1985 به 40 درصد از تولید ناخال داخلی در سال 1994)و رشد چشمگیر پس‏اندازها(از 20 درصد در سال‏ 1985 به 34 درصد از تولید ناخالص‏ داخلی در سال 1994)بوده است.

انتظار می‏رود که در درازمدت،کسری‏ حساب جاری تایلند(شاید بطور چشمگیری)،به خاطر افزایش نرخ‏ پس‏انداز ملی و کاهش سرمایه‏گذاری‏ نسبت به تولید ناخالص داخلی،کم شود. درحال حاضر،نرخ بالای سرمایه‏گذاری‏ خصوصی این کشور در واکنش نسبت به‏ نرخهای نسبتا بالای بازده آن انجام‏ می‏شود.پیشبینی می‏شود که این نرخهای‏ بازده با افزایش سرمایه‏گذاری کاهش‏ یابد.به همین ترتیب،اگر نیازهای‏ زیرساختاری عظیم و ضروری کشور برآورده شود،احتمالا سرمایه‏گذاری‏ بخش خصوصی نیز متعادل خواهد شد.

در مقابل،انتظار اینست که در میان‏مدت‏ پس‏اندازها افزایش یابد.به عبارت دیگر، پیشبینی می‏شود که نرخ پس‏انداز خصوصی با افزایش پس‏انداز خانوارها بالا رود.در این رابطه،اگر بازبینی سیستم‏ مستمری تایلند موجب افزایش چشمگیر سرمایهء صندوقهای احتیاطی کشور شود (که از مالیات معاف هستند)،در آنصورت‏ ممکن است پس‏اندازها افزایش پیدا کند. از جنبهء عمومی باید گفت که هدف‏ سیاست مالی کشور در چند سال آینده باید ایجاد تعادل بین افزایش هزینه‏های‏ عمومی برای بخشهای زیرساختاری و کاهش کسری حساب جاری از طریق‏ پس‏انداز بخش عمومی باشد.

مقامهای تایلندی مدتهاست بطور جدی نظام تجاری آزاد را پیگیری می‏کنند و آن را اصلی مهم برای توسعه کشور می‏دانند.دولت این کشور نیز بطور کامل‏ از اقدامهای ابتکاری تجاری اخیر جهانی‏ و منطقه‏ای پشتیبانی کرده است.مقامهای‏ تایلندی همچنین نخستین گام را برای‏ انجام یک سری برنامهء کاهش تعرفه‏ برداشته‏اند-از جمله کاهش تعرفه در مورد 4000 کالا در ژانویه 1995 و متعهد کردن‏ کشور به کاهش میانگین تعرفه‏ها از 30 درصد کنونی به 17 درصد تا اول ژانویهء 1997 در واقع آنها تعرفه‏ها را بازسازی‏ کرده‏اند و تعداد نرخ مالیاتها را از 39 مورد به‏ 6 مورد کاهش داده‏اند.

رشد سریع تایلند در طول چند دههء گذشته بدون هزینه‏های محیطی‏ و اجتماعی،بویژه در بانکوک که مرکز توسعه بشمار می‏رفته،نبوده است.رشد بیشتر مستلزم گسترش توسعه از لحاظ جغرافیایی و سرمایه‏گذاریهای سنگین‏تر در زیرساختار تمام کشور است.

تایلند،برای پاسخ به این نیازها، احتیاجات زیرساختاری خود را میان بخش‏ خصوصی و بخش عمومی تقسیم کرده و همچنین برای جذب سرمایه‏گذاری در خارج از منطقه بانکوک و تشویق تولید مستمر و متناسب با محیطی زیست از انگیزشهای مالیاتی استفاده کرده است.

جمعبندی

توسعه بسیار سریع و پایدار تایلند نمایانگر تعهد شدید و درازمدت این کشور به مدیریت مالی دوراندیشانه و پیگیری‏ مداوم و عملگرایانهء اصلاحات ساختاری‏ است.ولی با ادامهء رشد تایلند،مسائل‏ سیاستی جدیدی پیش می‏آید که مهم‏ترین‏ آنها چگونگی حفظ تعادل اقتصادی کشور، ضمن انجام اقدامات زیرساختاری،و تعیین اولویتهای اجتماعی هنگامی انطباق‏ با اقتصاد جهانی است.

با تداوم رشد تقاضا و رشد صادرات، نگرانی از فعال کردن اقتصاد وجود دارد. سیاستهای مالی،از جمله سیاستهای پولی‏ و مالی،ابزار مؤثری برای متعادل کردن‏ رشد بشمار می‏آید.همچنین،افزایش‏ پیچیدگی و دشواری آزادسازی بازارهای‏ مالی تایلند نیازمند ابزارهای پولی‏ غیر مستقیم است.

سرانجام،تایلند آگاه است که افزایش‏ هزینهء دستمزدها موجب می‏شود که این‏ کشور به سمت تولید قطعات با تکنولوژی‏ بالاتر گام بردارد.دولت قاطعانه و نوآورانه‏ نیازهای آموزشی و تربیتی کشور را مورد توجه قرار داده است.نظام تجاری آزاد و رویارویی فزایندهء این کشور با رقبای‏ بین المللی نیز باید به ادامهء فرایند تغییر شکل اقتصادی کمک کند.